

سالهای سیاه تروریسم دولتی در شیلی و...

مصاحبه با روزنامه نگار آمریکایی، جان دینگز، نویسنده کتاب «سالهای کندور»

شما در فاصله سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۸ در شیلی بودید چه خاطره ای از آن سالها و تروریسم دولتی ای که توسط ژنرال پینوشه پس از کودتای ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ برقرار شد دارید؟

- پس از ده ماه کار بعنوان خبرنگار در شیلی، در سال ۱۹۷۳ برای بدست آوردن اقامت دائمی در آنجا معلم انگلیسی شدم. سه هفته پس از کودتای پینوشه، ویزا بدون حادثه ای مهم صادر گردید. بنابراین میتوانستم حوادث را زیر پوشش يك نام مستعار گزارش کنم، اما علیرغم تمام احتیاط ها چندین دفعه بازداشت شدم. فردای کودتا بخاطر آنکه يك ساک پر از کتابهایی در باره تاریخ چپ در دست داشتم مرا گرفتند. محل سکونت دو روز بعد بازرسی شد و پلیس در باره پینوشه از من بازجویی کرد. یکبار دیگر هم در ۱۹۷۵ دستگیر شدم و سپس در ۱۹۷۷ در پی ارسال مقاله ای به مجله تایم که وضع مفقودین را مطرح میکرد لو رفتیم. باند حاکم نظامیان ۷۲ ساعت به من وقت داد تا کشور را ترک کنم، اما دستور اخراج در نتیجه فشار وزارت خارجه آمریکا لغو شد، علت این بود که جیمی کارتر تازه به کاخ سفید راه یافته بود.

پینوشه متهم است که در عملیات «کندور» مسؤولیت هایی داشته است، آیا نقش او تعیین کننده بود؟

- بله کاملاً تعیین کننده. اگوستو پینوشه مدل جدیدی از دیکتاتوری در امریکای لاتین بود. زمانیکه او قدرت را بدست میگیرد، پاراگوئه برای مثال، تجسم مدل يك دیکتاتوری پیر و فرسوده با سرکوب آشکار و علنی بود (پاراگوئه بعداً عضو شبکه «کندور» شد) پینوشه هم همین اشتباه را با دستگیری های انبوه در سانتیاگو مرتکب میشود اما بعداً می فهمد که سرکوب باید در خفا انجام شود. اصالت طرح «کندور» در همین مخفی عمل کردن آن است. «کندور» اعمال شکنجه، آدم ربایی، بر پایی اردوگاههای بازداشت جمعی و غیره را که در سریت کامل انجام می شد در سطح منطقه آمریکای لاتین نهادینه کرد که در آغاز امر شامل شیلی، بولیوی، و برزیل میشد. منظور از این نقشه وحشتناک که محصول دوره جنگ سرد است مبارزه با کمونیسم جهانی بود که خصلت دیگری از نقشه «کندور» محسوب می شود. سازندگان این طرح تردیدی نمی کردند که هدف ها یعنی قربانیان خود را خارج از مرزهای آمریکای لاتین حتی در اروپا نیز تعقیب کنند.

عملیات «کندور» چه موقع شروع شد و کی پایان یافت ؟

- اولین عملیات مهم «کندور» در تاریخ ۱۶ ماه مه ۱۹۷۵ انجام شد که منجر به دستگیری امیلکار سانتوچو آرژانتینی و خورخه فوئنسس شیلیایی دو عضو هیات هم آهنگی انقلابی (JCR) گردید که از ائتلاف جنبش های چپ علیه رژیم های دیکتاتوری تشکیل شده بود. از چند ماه پیش آنها در تور پلیسی بودند، و سرانجام در این تاریخ، نقشه عملی گردید. توضیح اینکه سه کشور بین خود، جهت دستگیری، بازجویی و تحویل دادن افرادی که خطرناک تلقی می شدند هماهنگی ایجاد کردند. میتوان دو تاریخ برای پایان طرح «کندور» در نظر گرفت. در دسامبر ۱۹۷۶ مأموریت های به اصطلاح مرحله ای قتل های سیاسی خارج از آمریکای لاتین لغو شد. در ژوئن ۱۹۸۰ آخرین عملیات معروف به دستگیری های انبوه مخالفان رخ داد یعنی زمانی که يك گروه شبه نظامی آرژانتینی راه را بر مبارزان مونتونرو که يك جنبش

پرونیست چپ بود بست.

چپ انقلابی متشکل از مونتونرو یا ERP در آرژانتین، میر در شیلی، توپاماروها در اروگوئه و ELN در بولیوی آیا واقعاً باندهای نظامی حاکم را تهدید میکرد یا اینکه چپ بهانه ای بود برای نابودی هر گونه هوس مخالفت؟

- ما خوب میدانیم که اتهام چپ بودن به هیچوجه نمیتواند سرکوبی را که در سالهای ۱۹۷۰ آمریکای لاتین را در بر گرفت، توجیه کند. اما جنبش های چریکی شیلی، آرژانتین، اروگوئه، و بولیوی واقعاً کوشیدند تا کانون های شورشی را دامن بزنند، با این فکر که سراسر قاره را به آتش بکشند. JCR از طریق ربودن کارفرمایان ۲۰ میلیون دلار بدست آورده بود. JPR کامیون و مخفی گاه حتی يك کارگاه اسلحه سازی داشت، با نگاه به گذشته، من معتقدم که JPR قبل از آنکه توسط «کندور» قتل عام شود، از قدرت واقعی خود خبر نداشت.

اسناد متعددی که شما بخش هائی از آنها را منتشر میکنید حاکی از تماس های منظم بین سرویس های مخفی رژیم های دیکتاتوری و سیا و اف بی آی است. نقش واشنگتن در قبال افراط کاری هائی که در این کشور های جنوب قاره آمریکا رخ داده چه بوده است؟

- دیدار هنری کیسینجر وزیر خارجه ایالات متحده از شیلی در ژوئن ۱۹۷۶ تصویر خوبی است از ابهام و گنگی ایالات متحده در اعتراض به نقض حقوق بشر که رژیم پینوشه مرتکب میشود، تصویری بسیار قوی. کیسینجر در دیدار رسمی اش از سانتیاگو تصمیم میگیرد در باره این موضوع نطقی ایراد کند. اما در جریان گفتگوی سری اش با پینوشه قبل از سخنرانی، وی را از پشتیبانی ایالات متحده مطمئن می سازد. واشنگتن با این حال میدانند و دهها سند این نکته را تأیید میکند که شیلی مخالفین را به قتل میرساند و طرح سرکوب موسوم به «کندور» را به اجرا گذاشته است. این را من درست، سیاست یکی به نعل و یکی به میخ زدن مینامم، چراغ سبز، گفتگوی سری بین کیسینجر و پینوشه است، و چراغ قرمز، سخنرانی عمومی وزیر خارجه آمریکا است که بعد از آن ایراد میکند، و جایگاه مهمی در سیاست آمریکا در رابطه با حقوق بشر دارد. يك هفته بعد از اقامت کیسینجر در شیلی گرد هم آئی مهمی در باره طرح «کندور» در سانتیاگو بر گزار میشود و طی آن تصمیم گرفته شد مأمورینی را به اروپا بفرستند برای اینکه افراد مورد نظر طرح «کندور» را به قتل برسانند. بنابراین چند روز بعد پینوشه طرح قتل «اورلاندو له ته لیر» وزیر خارجه سالوادرالنده را که در واشنگتن پناهنده بود تأیید کرد. گستاخی دیکتاتورشیلی باور نکردنی است، و نشان میدهد که پینوشه برای دست زدن به چنین اعمالی چقدر به پشتیبانی ایالات متحده دلگرم بوده است.

واکنش ایالات متحده در قبال قتل «اورلاندو له ته لیر» چه بود؟

- واکنش خشونت آمیز بود، هر چند در ابتدای امر بر آن سرپوش گذاشتند؛ اما این قتل رابطه دیپلماتیک بین ایالات متحده و شیلی راتا سال ۱۹۹۰ یعنی تا پایان ریاست جمهوری پینوشه تیره کرد.

در طی تحقیق تان آیا به رد پائی از مداخله فرانسه در طرح «کندور» بر خوردید؟

- تا آنجا که معلوم است، در بین نخستین کسانی که در چارچوب سرکوب عمومی، دست به شکنجه می زدند و افسرانی را در آمریکای لاتین آموزش میدادند برخی نظامیان فرانسوی وجود داشته اند. اما این خطرناک و غیر عادلانه است که مسئولیت دهها هزار مفقود آرژانتینی، شیلیائی و یا اروگوئه ای را به عهده افسران فرانسوی یا مأمورین CIA بیندازیم. روش های سرکوبگرانه این رژیم های دیکتاتوری بدون شك الهام گرفته از جنگ الجزایر و ویتنام بوده ولی ایده آدم ربائی های انبوه ایده ای

ست خاص رژیم های تروریستی آمریکای جنوبی.
مسئولین طرح «کندور» در برابر دادگاه از خود دفاع میکنند که عمل آنها برای رودروئی با
(تهدید تروریستی) بوده که بقول آنها چپ انقلابی بر همه جا حکم فرما کرده بود.

هم اکنون، تهدید تروریستی دیگری کره زمین را می لرزاند آیا میتوانیم این دو وضعیت را با
هم مقایسه کنیم؟

- اگر تروریسم امروز هیچ ربطی به جنبش های چریکی که در سالهای ۱۹۷۰، آمریکای لاتین را
به خشونت کشیده بود ندارد، در عوض توجیه کردن عملیات «کندور» و برخی از روش های آن نزدیک به
روش هائی است که امروز ایالات متحده در عراق بکار می برد. می گویند جنگ با تروریسم روش هائی
متفاوت با آنچه در يك کشمکش سنتی رایج بوده ایجاب میکند. اما نه، در هیچ حالتی رجوع به شکنجه
توجیه پذیر نیست. طرح «کندور» گسست کامل از دولت قانون بود و بدین معنا این يك نمونه وحشتناک
است اما نمونه ای که بدان باید اندیشید.

ترجمه برای اندیشه و پیکار
از لوموند ۲ مورخ ۹ آوریل ۲۰۰۵